

دانش و پژوهش  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

(علوم انسانی)

شماره چهارم - تابستان ۱۳۷۹

صص ۲۶ - ۱۷

## تأثیر اقلیت با ثبات بر پاسخهای اکثریت در آزمایش ادراک رنگ

سوزان امامی پور\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

به منظور بررسی تأثیر اقلیت با ثبات بر پاسخهای اکثریت، ۳۶ دانشجو انتخاب شدند و در گروههای ۶ نفری در سه وضعیت (شرایط با ثبات، شرایط بی ثبات و شرایط کنترل) به طور تصادفی قرار گرفتند. برای هر گروه ۳۶ اسلاید آبی رنگ با شدت متفاوت نمایش داده شد، وظیفه آزمودنی ها این بود که با صدای بلند نظر خود را در مورد رنگ اسلاید بیان کنند. دو نفر از اعضای هر یک از گروهها که در جایگاه اول و دوم نشسته بودند، همدست آزمایشگر بودند. در شرایط با ثبات، همدستان در تمام کوششها پاسخ نادرست می دادند و در شرایط بی ثبات در ۲۴ بار پاسخ نادرست و ۱۲ بار پاسخ درست می دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که اولاً: گروه اقلیت قادر به تغییر نظر اکثریت است. ثانیاً: گروه اقلیت با ثبات بیشتر از گروه اقلیت بی ثبات قادر به تغییر نظر اکثریت است. بنابراین یکی از عوامل مؤثر در تأثیر اقلیت بر اکثریت ثبات و همسانی گروه اقلیت در طول زمان است.

## مقدمه

همنوایی<sup>۱</sup> یکی از اشکال نفوذ اجتماعی است و هنگامی روی می‌دهد که افراد رفتارشان را به منظور تبعیت از هنجارهای موجود اجتماعی تغییر می‌دهند. همنوایی نشان‌دهنده آن است که چگونه افراد در یک موقعیت یا شرایط خاص به گونه‌ای خاص رفتار می‌کنند. با وجود آنکه فشار قوی همنوایی در روان‌شناسی اجتماعی و در خارج از این حوزه از دهه‌های بسیاری شناخته شده بود، اما تا سال ۱۹۵۰ مطالعات منظمی در این زمینه صورت نگرفته بود. در سال ۱۹۵۱ آزمایشهای مبتکرانه سولومون آش<sup>۲</sup> راه را برای تحقیقات مربوط به همنوایی هموار کرد.

پیش از آزمایشهای آش، مظفر شریف<sup>۳</sup> به منظور بررسی تشکیل و ظهور هنجارهای اجتماعی، در آزمایشگاه آزمایشی را با استفاده از پدیده حرکت خودزاد<sup>۴</sup> انجام داد. حرکت خودزاد یکی از پدیده‌های خطای ادراکی است. این پدیده عبارت است از اینکه در تاریکی، نقطه کوچکی از نور ثابت، متحرک به نظر می‌رسد و بیننده احساس می‌کند که نقطه نورانی ثابت نیست و در جهت‌های مختلف حرکت می‌کند. شریف از آزمودنی‌هایش می‌خواست که در مورد اینکه نقطه نورانی، چه مقدار حرکت کرده است قضاوت کنند. آزمودنی‌ها به صورت انفرادی و گروهی مورد آزمایش قرار می‌گرفتند. نتیجه این بود که هنگامی که آزمودنی‌ها به صورت گروهی مورد آزمایش قرار می‌گرفتند و هر یک نظر خود را بیان می‌کردند، بلافاصله تحت نفوذ قضاوت و نظر یکدیگر قرار می‌گرفتند و خیلی سریع با همدیگر در مورد معیار معین توافق پیدا می‌کردند، به طوری که یک هنجار گروهی در مورد مقدار حرکت نقطه نورانی ایجاد می‌شد. نکته مهم این بود که این هنجار گروهی هنجار کاذبی بود، چرا که اصولاً هیچ‌گونه حرکتی وجود نداشت. نکته قابل توجه دیگر این بود که هنگامی که شریف بعد از یک سال همین آزمایش را با همان آزمودنی‌ها و در همان شرایط آزمایشی تکرار کرد، مشاهده نمود که آزمودنی‌ها وقتی که مجدداً در همان شرایط آزمایش قرار می‌گرفتند همان هنجارهای کاذب را به عنوان حرکت مشاهده شده بیان می‌کردند (سایینی،<sup>۵</sup> ۱۹۹۵؛ زمانی و همکاران، ۱۳۷۰).

1- Conformity

2- Asch

3- Sherif

4- Autokinetic Effect

5- Sabini

سولومون آش با اجرای یک سلسله آزمایشهای جالب به یافته‌ها و نتایج مهمی دست یافت. وی چنین فرض کرد که آزمودنی‌های آزمایش شریف با مسأله مبهمی روبه‌رو بودند، به تصور وی اگر محرک ابهام نداشته باشد و سؤال، پاسخ درستی را ممکن سازد به دلیل وجود محرک مشخص و محسوس افراد تحت تأثیر دیگران قرار نخواهند گرفت و هم‌نوابی حداقل به این شدت مشاهده نخواهد شد. به همین منظور وی از آزمودنی‌ها می‌خواست که طول یک خط را با سه خط مقایسه‌ای دیگر، مقایسه کنند، یکی از این خطوط از نظر طول با خط اول برابر بود و خطهای دیگر از نظر تفاوت به گونه‌ای بودند که آزمودنی‌های گروه گواه در بیش از ۹۵٪ موارد، در مورد طول خطوط قضاوت درست داشتند. معمولاً ۷ تا ۹ نفر در آزمایش شرکت داشتند که همه بجز یک نفر همدست آزمایشگر بودند، از آزمودنی‌ها خواسته می‌شد با صدای بلند در مورد طول خطوط قضاوت کنند، آزمودنی واقعی طوری نشسته بود که همیشه نفر ماقبل آخر باشد (کریمی، ۱۳۷۷).

نتایج آزمایش نشان داد که آزمودنی‌ها در ۳۷ درصد از موارد با پاسخ غلط اکثریت همراه می‌شدند، البته ۲۵ درصد نیز از همراه شدن با هر پاسخ غلط امتناع کردند. ۵۰ درصد حداقل در نیمی از موارد با پاسخ غلط گروه همراه شدند (بریم و کسین، ۱۹۹۳). آزمایشهای شریف و آش درباره نفوذ اجتماعی نشان‌دهنده این هستند که ادراکات ما ممکن است به شدت تحت تأثیر دیگران قرار گیرد. این آزمایشها را به‌طور عمده آزمایشگران دیگر انجام دادند و نتایج شریف و آش مورد تأیید قرار گرفتند. زمانی و همکاران (۱۳۷۰) آزمایش آش را روی گروه نمونه دانشجوی ایرانی انجام دادند و به نتایج مشابهی دست یافتند.

بعد از آزمایشهای جالب آش، آزمایشهای بسیاری در مورد عوامل مؤثر در هم‌نوابی صورت گرفته و عوامل بسیاری نظیر حجم و اندازه گروه، تأثیر حمایت دیگران، ویژگیهای فردی و شخصیتی، بارز و برجسته بودن هنجارها، تفاوت‌های جنسی و فرهنگی، نفوذ اقلیت و ... صورت گرفته است.

درباره عامل نفوذ اقلیت بری، جانسون و کلسیتروم (۱۹۸۲) گروههای شش نفری را تشکیل دادند. چهار آزمودنی و دو همدست که درباره موضوعات مورد علاقه

(طراحی برای هزینه بلیت‌های ورزشی و ...) بحث می‌کردند. در طول بحث در مورد هر موضوع همدستان، نظرهای مخالفی بر ضد چهار آزمودنی اتخاذ می‌کردند. قبل از بحث نظرهای آزمودنی‌ها در مورد هر موضوع ارزیابی شده بود. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیر اقلیت بر گروه است. آزمودنی‌های گروه آزمایش در رویارویی با نظرهای مخالف دو همدست آزمایشگر به سوی نظر پیشنهادی آنها تغییر جهت می‌دادند، در حالی که آزمودنی‌های گروه گواه که با نفوذ اقلیت مواجه نشده بودند چنین تغییری در آنان مشاهده نشد (به نقل از بارون و برن،<sup>۱</sup> ۱۹۹۰).

مُسکوویچی<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۶۹) آزمایشهای بسیار جالبی درباره نفوذ اقلیت انجام دادند. آنان از آزمودنی‌ها می‌خواستند که در یک آزمایش مربوط به ادراک رنگ در گروه‌های شش نفری شرکت کنند که دو نفر از اعضای گروه همدستان آزمایشگر بودند. وی از آزمودنی‌ها می‌خواست که ۳۶ اسلاید رنگی را که آبی رنگ بودند، اما شدت رنگ متفاوتی داشتند مشاهده کنند و در مورد رنگ آنها با صدای بلند قضاوت نمایند. دو همدست آزمایشگر در برخی آزمایشها برای ایجاد شرایط ثابت و همسانی در طول تمام کوششها پاسخ سبز می‌دادند. در وضعیت ناهمسانی یا عدم ثبات آنها ۲۴ بار پاسخ سبز و ۱۲ بار پاسخ آبی می‌دادند. همچنین یک گروه گواه شامل شش آزمودنی واقعی نیز وجود داشت. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان دادند که گروه گواه فقط ۲۵٪ پاسخ سبز دادند که این به معنای آشکار و واضح بودن پاسخهای درست است. در شرایط آزمایشی اقلیت بی‌ثبات ۱/۲۵ درصد پاسخها نادرست (سبز) بود و در شرایط آزمایشی اقلیت باثبات ۸/۴ درصد پاسخها نادرست (سبز) بود که این تفاوت نسبت به دو وضعیت دیگر کاملاً معنی‌دار می‌باشد (هیوستون<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۶؛ الیوت،<sup>۴</sup> دیان، ۱۹۹۵).

بنابه نظر مُسکوویچی اقلیت باثبات قادر است که اکثریت را وادار سازد که مواضع آنان را در نظر بگیرند و به گونه‌ای متفاوت به جهان نگاه کنند. از نظر وی اقلیت باثبات به طور متفاوتی نسبت به اکثریت اعمال نفوذ می‌کند. فشار آزمودنی‌های آش موجب می‌شد که آزمودنی‌ها از محرک منحرف شوند، در حالی که اقلیت چنین تأثیری

1- Baron and Byrne

2- Moscovici

3- Hewston

4- Eliot and Diane

ندارد و در واقع اثر معکوس دارد یعنی ممکن است موجب گردد که افراد موضوع و محرک را کاملاً در نظر بگیرند.

بنابر این گروه اقلیت موجب تغییر زاویه دید نسبت به موضوع می شود و این در نتیجه فشار آزادانه و قابل قبولی است که موجب می شود اکثریت به مواردی توجه کنند که قبلاً آنها را در نظر نمی گرفتند. مسکوویچی معتقد است که هسته اصلی مرکزی تأثیر و نفوذ اقلیت، ثبات و همسانی اعضا با یکدیگر در طول زمان است، اما برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند که این عامل فقط عامل تأثیر نفوذ اقلیت نمی باشد و عوامل دیگری نیز ممکن است در نفوذ اقلیت مؤثر باشند (سایینی، ۱۹۹۵).

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر و نفوذ اقلیت است. بدین منظور سعی شده است که با استفاده از نمونه دانشجویان ایرانی، آزمایش مسکوویچی تا حد امکان بازسازی شود و تأثیر عامل همسانی یا ثبات و عدم همسانی یا عدم ثبات مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش دو فرضیه مورد بررسی قرار می گیرد؛

فرضیه ۱: اقلیت با ارائه پاسخهای نادرست قادر است انحراف و تغییر مشخص و معنی داری در نظر اکثریت ایجاد کند.  
فرضیه ۲: اقلیت با ثبات بیشتر از اقلیت بی ثبات قادر به تغییر نظر اکثریت می باشد.

## روش

گروه نمونه آزمودنی ها شامل ۳۶ دانشجوی دختر مقطع کارشناسی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی بودند که به طور تصادفی انتخاب شده بودند و در سه گروه ۶ نفری به شرح زیر به طور تصادفی قرار گرفته بودند: گروه گواه (شامل دو گروه ۶ نفری، در مجموع ۱۲ نفر).

گروه آزمایشی ۱ (شرایط ثبات یا همسانی)، (شامل دو گروه آزمایشی ۶ نفری، در مجموع ۱۲ نفر)

گروه آزمایشی ۲ (شرایط عدم ثبات یا عدم همسانی)، (شامل دو گروه آزمایشی ۶ نفری، در مجموع ۱۲ نفر)

گفتنی است که در گروههای آزمایشی ۲ نفر به عنوان همدست انتخاب شده بودند که در نتیجه فقط ۸ نفر از اعضای هر گروه آزمایشی، آزمودنی های واقعی بودند.

## ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در پژوهش شامل ۳۶ اسلاید رنگ آبی با شدتهای مختلف بود که با استفاده از دستگاه پخش اسلاید دوار برای آزمودنی‌ها نمایش داده می‌شد. برای تهیه اسلایدهای مورد نظر با استفاده از یک برنامه کامپیوتری ۴۵ رنگ آبی با شدتهای مختلف انتخاب شد. سپس این رنگها با استفاده از چاپگر رنگی لیزری بر روی طلق سفید شفاف چاپ شدند. از بین ۴۵ رنگ آبی، مناسبترین آنها به تعداد ۳۶ رنگ انتخاب شدند و هر یک در یک جا اسلایدی قرار گرفتند. (باید گفت که به دلیل اینکه در منابع مورد دسترس ذکری از شیوه تهیه اسلایدها توسط مسکوویچی نشده بود، با مشورت با دو گرافیسیت و یک متخصص کامپیوتر بهترین شیوه تهیه اسلاید با صلاحدید آنان انتخاب شد و با همکاری آنان به مرحله اجرا در آمد).

همچنین در این پژوهش از ۴ کارت رنگی به رنگهای آبی، قرمز، سبز و زرد استفاده شد. این کارتها به منظور اطمینان از ادراک رنگ توسط آزمودنی‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

## شیوه اجرا

به منظور انجام آزمایش از آزمودنی‌ها خواسته می‌شد که در صورت تمایل در یک آزمایش مربوط به ادراک رنگ شرکت کنند. سپس آزمودنی‌ها در گروههای ۶ نفری به اتاق مربوط به اجرای آزمایش که از قبل تمهیدات لازم برای انجام آزمایش در آن فراهم شده بود دعوت می‌شدند.

آزمودنی‌ها به‌طور تصادفی در سه گروه آزمایشی ۱ (ثبات یا همسانی)، آزمایشی ۲ (عدم ثبات یا عدم همسانی) و گروه گواه قرار می‌گرفتند. ۲ نفر از اعضای گروههای ۶ نفره آزمایشی به‌عنوان همدست انتخاب می‌شدند و پیش از اجرای آزمایش به آنان دستورات لازم جهت همکاری در طول آزمایش داده می‌شد.

به هر گروه توضیح داده می‌شد که به ترتیب ۳۶ اسلاید رنگی برای آنها به نمایش گذاشته خواهد شد که با پخش هر یک از اسلایدها آنان به ترتیبی که روی صندلیها نشسته بودند به نوبت نظر خود را در مورد رنگ اسلاید با صدای بلند بیان کنند. از آنها خواسته می‌شد که قضاوتهای خود را براساس رنگهای اصلی (آبی، زرد، قرمز، سبز) بیان کنند و از به کار بردن کلماتی نظیر آبی کمرنگ، آبی فیروزه‌ای، سبز پررنگ و ... پرهیز کنند.

پیش از نمایش اسلایدها ابتدا به منظور اطمینان از ادراک رنگ آزمودنی‌ها چهار کارت رنگی به رنگهای آبی، قرمز، سبز و زرد به دو علت ارائه می‌شد: یکی برای خارج کردن آزمودنی کوررنگ از آزمایش و دیگری برای قانع کردن آزمودنی‌ها که دیگر شرکت‌کنندگان کوررنگ نیستند. پس از نمایش کارتهای رنگی و حصول اطمینان از ادراک رنگ آزمودنی‌ها، ۳۶ اسلاید رنگی به ترتیب برای آنان به نمایش گذاشته می‌شد و نظرات آنان در جدولی که قبلاً تهیه شده بود یادداشت می‌گردید. اجرای آزمایش حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه به طول می‌انجامید.

همان‌گونه که اشاره شد دو نفر از اعضای ۶ نفری گروههای آزمایشی همدستان آزمایشگر بودند. این آزمودنی‌ها به ترتیب در صندلی اول و سوم قرار می‌گرفتند. برای ایجاد شرایط ثبات و همسانی گروه اقلیت، از همدستان خواسته می‌شد که در طول تمام ۳۶ کوشش، پاسخ نادرست (آبی) دهند. (قابل ذکر است که با وجودی که اسلایدها با رنگهای آبی با شدتهای مختلف طراحی شده بودند، اما هنگام نمایش آنها بر روی پرده به دلیل زمینه زرد رنگ پرده نمایش رنگها به صورت سبز نمایش داده می‌شوند). برای ایجاد شرایط عدم ثبات یا عدم همسانی نیز در گروه دیگر آزمایش از همدستان خواسته می‌شد که ۲۴ بار پاسخ نادرست (آبی) و ۱۲ بار پاسخ درست (سبز) بدهند.

### تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های حاصل از پژوهش در جدول شماره ۱ خلاصه شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود بیشترین میزان همنوایی یعنی همراه شدن با گروه اقلیت (۲ نفر همدست) و دادن پاسخ نادرست در گروه آزمایشی ۱ (شرایط با ثبات) و کمترین میزان در گروه گواه مشاهده می‌شود. به طور کلی بیشترین فراوانی همنوایی در گروه آزمایشی ۱ (شرایط با ثبات) سپس در گروه آزمایشی ۲ (شرایط بی ثبات) مشاهده می‌شود. در طول آزمایش همچنین تفاوت‌های فردی در رابطه با همنوایی در بین آزمودنی‌ها مشاهده می‌شد. به طوری که برخی آزمودنی‌ها نسبت به دیگران میزان همنوایی بیشتری داشتند در حالی که برخی هیچ‌گاه با گروه اقلیت هم‌نوا نمی‌شوند. در گروه آزمایشی با ثبات فقط یک آزمودنی از بین ۸ آزمودنی واقعی وجود داشت که در هیچ‌کدام از کوششها با گروه اقلیت همراه نمی‌شد بقیه ۷ آزمودنی حداقل ۴ بار و حداکثر ۲۱ بار با اقلیت همراه می‌شدند و پاسخ آبی می‌دادند. در گروه آزمایشی بی ثبات نیز ۴ آزمودنی هیچ‌گاه با گروه

اقلیت هم‌نوا نشدند، ولی بقیه آزمودنی‌ها حداقل ۵ بار و حداکثر ۱۷ بار با گروه اقلیت هم‌نوا می‌شدند و پاسخ نادرست می‌دادند. چنانکه مشاهده می‌شود در گروه گواه نیز ۲۰ مورد پاسخ نادرست دیده می‌شود بدون اینکه هم‌دستانی در کار باشند.

جدول شماره ۱- فراوانی و درصد هم‌نوایی با اقلیت در گروه‌های آزمایشی و گواه

	پاسخ درست (سبز)		پاسخ نادرست (آبی)	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
گروه آزمایشی ۱- (شرایط باثبات)	۲۰۴	۷۰/۸۳	۸۴	۲۹/۱۶
گروه آزمایشی ۲- (شرایط بی‌ثبات)	۲۴۴	۸۴/۷۲	۴۴	۱۵/۲۷
گروه گواه	۴۱۲	۹۵/۲۶	۲۰	۴/۶۳

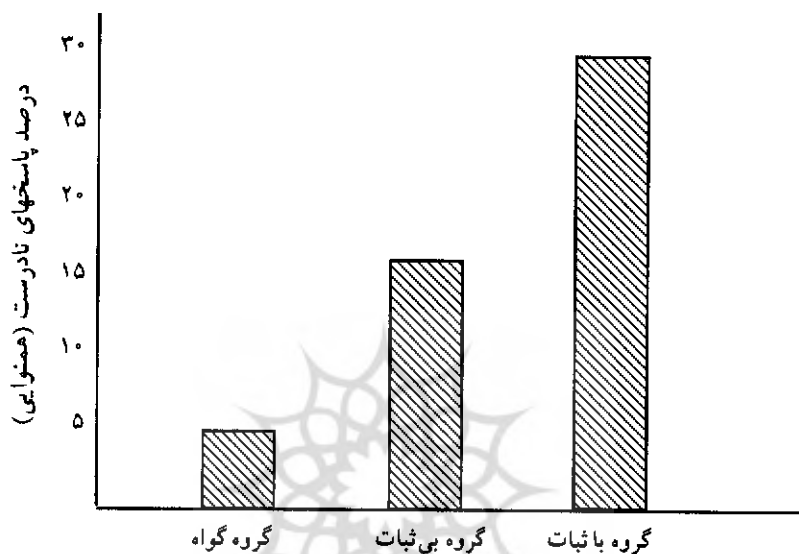
به منظور معنی‌دار بودن نتایج حاصل از آزمون Z برای معنی‌دار بودن نسبت‌های مستقل استفاده شد. مقدار Z یک‌بار برای مقایسه هر یک از گروه‌های آزمایشی با گروه گواه و یک‌بار نیز برای مقایسه دو گروه آزمایشی با یکدیگر محاسبه گردید.

Z به دست آمده برای مقایسه نسبت بین گروه آزمایشی ۱ (شرایط باثبات) و گروه گواه برابر با  $9/70$  می‌باشد که در سطح  $95\%$  معنی‌دار می‌باشد. همچنین Z به دست آمده برای مقایسه بین گروه آزمایشی ۲ (شرایط بی‌ثبات) برابر با  $4/95$  می‌باشد که بیشتر از مقدار Z در سطح  $95\%$  ( $0/025$ ) می‌باشد. بنابراین فرضیه ۱ تأیید می‌شود. یعنی گروه اقلیت قادر است با ارائه پاسخ‌های نادرست نظر اکثریت را تغییر دهد.

به منظور بررسی فرضیه ۲ پژوهش به دلیل اینکه Z به دست آمده از مقایسه نسبت بین گروه آزمایشی ۱ (شرایط باثبات) و گروه آزمایشی ۲ (شرایط بی‌ثبات) برابر  $4/470$  و بزرگتر از Z جدول در سطح  $95\%$  ( $0/025$ ) می‌باشد. بنابراین فرضیه ۲ نیز تأیید می‌گردد. بدین معنی که گروه اقلیت با ثبات بیشتر از گروه اقلیت بی‌ثبات قادر به تغییر نظر اکثریت می‌باشد.

به‌طور خلاصه نتایج حاصل از میزان هم‌نوایی گروه اقلیت با ثبات و بی‌ثبات را می‌توان در نمودار شماره ۱ نمایش داد:





نمودار شماره ۱- گروه باثبات، بی ثبات و گواه

چنانکه مشاهده می شود، بیشترین میزان همنوایی گروه با گروه اقلیت باثبات صورت گرفته است.

### بحث و نتیجه گیری

یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان می دهند که گروه اقلیت قادر است نظر گروه اکثریت را تحت تأثیر خود قرار دهد. البته هنگامی که گروه اقلیت بر نظر خود ثبات داشته باشند و متفق القول باشند، تأثیرشان نسبت به یک گروه اقلیت بی ثبات بیشتر می باشد.

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نتایج تحقیقات مسکوویچی (۱۹۶۹) را مورد تأیید قرار می دهد. البته میزان همنوایی با گروه اقلیت باثبات و بی ثبات پژوهش حاضر (به ترتیب ۲۹/۱۶ و ۱۵/۲۷) بیشتر از میزان همنوایی با گروه اقلیت باثبات و بی ثبات پژوهش مسکوویچی (به ترتیب ۸/۴ و ۱/۲۵) می باشد. همچنین بین میزان پاسخهای نادرست گروه گواه پژوهش حاضر (۴/۶۳) و گروه گواه پژوهش مسکوویچی (۰/۲۵)

نیز تفاوت زیادی وجود دارد. علت این تفاوتها شاید مربوط به نحوه اجرای آزمایش (به دلیل عدم دستیابی به چگونگی شیوه تحقیق آزمایش مسکوویچی) و یا تفاوتهای فرهنگی آزمودنیها باشد. که به هر صورت به منظور بررسی علت چنین تفاوتهایی باید تحقیقات بیشتری صورت پذیرد.

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گروه اقلیت قادر به اعمال نفوذ بر نظر اکثریت می‌باشد و یکی از عوامل مؤثر در میزان تأثیر اقلیت، همسانی و ثبات نظر بین گروه اقلیت در طول زمان می‌باشد.

## منابع و مآخذ

زمانی، رضا. وحید افضلی راد و مهرآفرین امامی لنگرودی، (۱۳۷۰)، پژوهشی در مورد تأثیر اکثریت متفق بر اقلیت واحد، بازسازی آزمایش اصلی همنوایی آش با آزمودنیهای ایرانی، پژوهشهای روانشناختی، شماره ۱ و ۲.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۷)، روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، چاپ پنجم، تهران؛ انتشارات ارسباران.

Baron, R, B and Byrne, D (1990), "Social Psychology": undrestanding Human Interaction, Boston: Allyn and Bacon.

Brehm, S.; Kassin, S (1993), "Social Psycholoty": Houghton Mifflin company, U.S.A.

Eliot, R. S; Diane, M. M. (1995), "Social Psycholoty", Worth Publishers, Inc, U.S.A.

Hewston, M; Stroebe, W; Stephnson, G (1996), "Introduction to Social Psycholoty", Blackwell Publishers, U.S.A.

Sabini, J. (1995), "Social Psycholoty", W.W. Norton Company.